



دکتر محمود نجم آبادی

## میرزا ابوالحسن خان فروغی

از بنده خواسته بودید شرح حالی از مرحوم استاد ابوالحسن فروغی برای درج در مجله آینده ارسال دارم. اکنون تا آنجا که برایم مقدور و میسر بود از بایگانی خود و مشاهدات عینی و مدت تلمذ در خدمت آن مرحوم آنچه میسر شد ارسال خدمت می‌دارم.

### نام و نسب

می‌گویند در سفری که پدر استاد به مشهد کرده بود پس از مراجعت خداوند فرزندی بوی عطا فرمود که نامش را به مناسبت کنیه امام هشتم (ع) ابوالحسن گذاردند. ابوالحسن کودک سال ۱۳۰۱ هجری قمری مطابق با ۱۲۶۳ شمسی قدم به عرصه وجود گذارد. تا آنجا که بنده اطلاع دارم تا نه پشت پدران وی خدمتگزاران فرهنگ بودند بدین شکل: ابوالحسن بن محمد حسین (ذکاءالملک بزرگ) بن محمد مهدی (ارباب) بن حاجی محمد رضا بن محمد کاظم بن میرزا کوچک بن ابوتراب بن محسن بن جواد بن حاجی محمد مؤمن. پدر استاد مرحوم ذکاءالملک بزرگ هیجده ساله بود که پدرش آقا محمد مهدی ارباب از سفر هفده ساله هندوستان برگشت (۱۲۷۳ هجری قمری).

محمد حسین ذکاءالملک بزرگ خدمات بسیاری به کشور ما کرده که بزرگترین خدمتش به فرهنگ بود. وی نظرش آن بود که باید فرهنگ در قالب و اصول قدیم باشد ولی با فکر جدید. وی مؤسس و نویسنده روزنامه تربیت بود که سالیان دراز با چاپ سنگی در تهران انتشار می‌یافت.<sup>۱</sup> آقای محمد مهدی ارباب - پدر ذکاءالملک بزرگ از اصفهان برای درک و کسب علم به هندوستان رفت (۱۲۶۸ هجری قمری یعنی سال تأسیس دارالفنون) و هفده سال در آن دیار بود. وقتی برگشت (۱۲۷۳ هجری قمری) به فرزندش که آنوقت هیجده ساله بود گفت: فرزند بدان که ما از بابت فرهنگ خیلی عقب هستیم و باید کوشش کرد که از قافله علم عقب نمانیم. ذکاءالملک بزرگ می‌گفت

۱- قسمت زیادی از روزنامه تربیت به خط مرحوم پدرم مرتضی نجم آبادی و (یعنی نیمی بیشتر از دوره این روزنامه بخط نسلیق می‌باشد).



میزرا ابو الحسن خان فروغی

مقام منبع وزارت جلیله خارجه

زوف آن مقام معظم

بابت  
عبدالرزاق  
مقام

کارت مبارک دعوتی به مجلس بنویسید با فقار حجاب آقا سر قلم اندک  
زیارت شود موجب ابراهام خاطر وزیر امتنان همیشه گردید

هر چند بلار این بنده انتقاد این مجلس بر هیئت متعارف بازمانده است که ضمیر مودت  
مانع حرکت و خروج از منزلت است تا این سب از شرف حضور محروم خواهد بود لیکن در همین

زاویه تنهایی از صمیم دل شرکت شادگامی و خوشتر قاضیان آن محضر و کجوش جان شادمان  
بنیان شریف تمام جلوه و اوج استم بسطیست که در هم خود از جهت بستن خاوا و

و کتاب همکاری فریاد و شرکت تمام محضر و بسطیست که در هم خود از جهت بستن خاوا و  
حسن توجه و لطف قدر دان که عهد کن شکرگان در خدمت را بغیر از خود دلها بر سر آن فرسوده

بگرمی جوان میازد تقدیم کار گذاران نکته دان و دور از نیان آن مقام منبع دانسته  
در تا کید شادمان و فرخنده اینگونه ساقی میسایا و بنبرید و با که مردم کی ساحت کرامی است

یاد آور شوم که نو کردن فکر کنی بهر شش آوردن روح و بیدار کردی بلکه حیوان است این بزم  
نیزه و شادمان و قانده کار را را بر کفایت توانای در بر این امرایه نقد خود گاه در راه قانویست

و آوردن خدمت شادمان آموزندگان کار را بسود جانم خرد و در خدمت و جان از و بسطیست که در هم  
همواره علیه حضور شکر نیت حسن نماز نهاد فریز در عین در پروردگار انوار عزت جانان با بر اولاد از

هوالمعین

بهدرالله نوره من

ز چشما

خدا را بنده باش تا از بندگی بندگان آزاد باش  
 بندگی خدا را در رست و آزادگی حمت بیوایان در بندگان گذرسته <sup>و اما از این</sup>  
 دوستی با منم بشود <sup>بنا بر</sup> دوستی <sup>بنا بر</sup> حفظ شرافت و خدمت غنی و در هر حال  
 هرگز بر نفس درنگ ندارد و کار کردن عینش و در شکی بدان  
 از بندگان حمت و بزرگواری شغفت داشته باش  
 همیشه روان را بدانش روشن تن را بکار نرم دل را بیا د خدا قوی دار  
 زیاده را از صفا طسیت با منزه و در کمال هنر شناس  
 لطف پر خیز و بر کار را در طیب بر بدن آن بدان  
 در تجرد و آرایش پر و رسم و مدد باش و خلق سلیم در بیاید لطف هنر را در خود  
 از عینش بدین چیز دیگر را از گفتار و کردار بزرگان پیشین که فرزند آن بزرگان  
 نیازمند هدایت خانه <sup>راست</sup>

پندنامه ابو الحسن فروغی برای نور چشم خود

پدرم سه سال موضوع بالا یعنی عقب افتادگی کشور را از قافله علم برای روشنفکران آن دوران توضیح می داد.

وی هیئت جدید را به ایران آورد. شاهنامه را در هندوستان چاپ نمود. کتاب نصف جهان را در باب اصفهان تألیف کرده است. تاریخ و صاف را تصحیح نمود و آنرا در بمبئی چاپ کرده است (تاریخ چاپ ۱۲۶۹ هجری قمری در بمبئی است).

از محمد رضا و پدرش محمد کاظم اثری بزرگ در دست نیست.

میرزا کوچک - وی شخصی است که بسال ۱۱۴۸ هجری قمری نماینده اصفهان در مجلس مؤسسان نادر شاه بود.

ابوتراب - در علم تجوید یدی بسزا داشت.

محسن و جواد و حاجی محمد مؤمن همه از فضیلتی دوران بودند.

این بود شرح مختصری از دودمان فروغی و خدمات آنان به فرهنگ ایران که از نظر اطلاع به نسب استاد لازم بود.

### تحصیلات

استاد ابوالحسن فروغی تحصیلات ابتدایی را در خانواده و نزد پدر آموخت و پس از طی دوران ابتدایی بسال ۱۳۱۲ هجری قمری به دارالفنون رفت و در آنجا نزد معلمین آندوران تحصیلات متوسطه و متداول زمان را بسیار خوب آموخت. سپس برای تکمیل زبان فرانسه به مدرسه آلیانس فرانسه<sup>۱</sup> رفت و برآستی در این دبیرستان که یکی از بهترین دبیرستانهای دوران بود زبان فرانسوی را خوب یاد گرفت. آنگاه رهسپار فرنگستان گردید و پس از مراجعت از سفر فرنگ بر اثر تسلط بر این زبان بسیمت مترجمی آقای دانتان<sup>۲</sup> معلم طبیعی در دارالفنون (شعبه طب) برگزیده شد.

### تدریس در دارالفنون و مدرسه علوم سیاسی

چنانکه در بالا مذکور افتاد استاد فروغی که از شاگردان برجسته دارالفنون بود اول مرتبه به مترجمی استاد دانتان برگزیده شد. آنگاه به تدریس در دارالفنون و سپس مدرسه علوم سیاسی در رشته تاریخ و تاریخ طبیعی انتخاب گردید.

خوب به خاطر دارم به سال ۱۲۹۸ شمسی یعنی سال تأسیس دارالمعلمین مرکزی<sup>۳</sup> قبل از آنکه استاد این مرکز بزرگ علمی را تأسیس نمایند از برجستگان استادان دارالفنون بود، وعده زیادی از دانشمندان و استادی بعدی در آن تاریخ در کلاسهای پنجم و ششم دارالفنون در خدمتش تلمذ می نمودند.

### در دارالمعلمین مرکزی

به سال ۱۲۹۸ شمسی در دوران وزارت مرحوم احمد بدر نصیرالدوله<sup>۴</sup> (وفات نصیرالدوله ۱۳۰۹ شمسی) دارالمعلمین مرکزی را تأسیس کرد. این مرکز بزرگ علمی ابتدا در خیابان نادری سابق و

1- Alliance Française.

2- Dantan.

۳- کلمه دارالمعلمین مرکزی ترجمه Ecole Normale Superieure است.

۴- احمد بدر نصیرالدوله پدر مرحومان محمود و عبدالوهاب بدر و آقای دکتر ابوالقاسم بدر بود که در زمان وزارتش سی مدرسه ابتدایی در تهران و چند دبیرستان تأسیس کرد.

جمهوری کنونی اول کوچه نوبهار<sup>۵</sup> بود که فقط دو کلاس داشت یکی کلاس ابتدائی یکی کلاس عالی که مقصود از کلاس ابتدائی تربیت شاگردان برای معلمی مدارس ابتدائی و کلاس عالی جهت تربیت معلم برای دبیرستانها بود، سپس دارالمعلمین مرکزی به محل جدیدش در تخت زمرد سابق (کوچه سهم الملک) انتقال یافت که بعداً به نام‌های رهنما و معرفت تغییر نام داده شد.

برای مزید اطلاع متذکر می‌گردد که در محل دبیرستان رهنمای آن زمان قبل از تأسیس دارالمعلمین مرکزی مدرسه سپهر و قبل از آن مدرسه فرهنگ بود که بهمت عده‌ای از فرهنگیان و دانش پژوهان تأسیس یافته بود. خداوند همه مؤسسين و بانیان آندو مدرسه را بیامرزاد که حقی عظیم به گردن فرهنگ کشور دارند.

استاد فروغی سعی کرد که دارالمعلمین مرکزی را مرکز تربیت معلم کند و نخب دانشمندان وقت را در آن مرکز علم و دانش جمع کند و بنظر بنده ناچیز می‌رسد بنحوی شایسته این نظر را تأمین نمود. در این مرکز مرحومین غلامحسین رهنما - شیخ محمد حسین بیچاره گنابادی - اسمعیل مرآت - مرتضی نجم آبادی (پدر نویسنده) - سرتیپ عبدالرزاق بغاری (شوهرخواهر مرحوم ابوالحسن فروغی) - حبیب‌الله ذوالفتون و مترجم الممالک (عباسقلی قریب معروف به مسیو عباسقلی خان) - محمد وحید تنکابنی و عباس اقبال آشتیانی و دکتر ابوالقاسم بهرامی و شیخ محمدحسین فاضل تونی (معروف به جناب فاضل) و میرزا عبدالعظیم خان گرگانی دکتر علی اکبر سیاسی و مرحوم دکتر رضازاده شفق و بدیع‌الزمان فروزانفر و عبدالله انتظام - دکتر منار<sup>۶</sup> فرانسوی و حسن فروزان و دکتر عیسی صدیق سالیان دراز در این مرکز علمی به تدریس اشتغال داشتند.

استاد ابوالحسن فروغی توانست بنحو بسیار شایسته مدت قریب ده سال از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ شمسی این مرکز بزرگ علمی و ادبی را اداره کند.

#### مسافرت‌های خارجه

استاد فروغی جمعاً چهار سفر به اروپا رفته که سفر آخری وی به عنوان وزیر مختار ایران در کشور سویس بود.

#### در راه تعلیم و تربیت

الف) وی برای تنظیم برنامه مدارس قدیمی با همکاری مرحوم شمس‌العلماء و صدرالافاضل و حبیب‌الله ذوالفتون و میرزا غلامحسین خان رهنما منتهای مجاهدت را کرد و حقاً توانست مکتبی تهیه کند که دنباله آن در این اواخر به صورت مجلس درس در منزل استاد برقرار بود و مدت سه سال در دانشکده معقول و منقول تدریس کرد و بحث در فلسفه قدیم و جدید را عهده‌دار بود و چون می‌خواست مدرسه عالی روحانی در شرق تأسیس کند، لذا در سال ۱۳۲۴ شمسی به مشهد رفت و برای تأسیس مدرسه عالی روحانی در مشهد اقدام کرد، متأسفانه نتوانست به آرزوی خود برسد. وی معتقد بود که یکی از مراکز بزرگ علوم اسلامی باید در مشهد باشد، بدین مناسبت به امام هشتم ارادت و اخلاص بی‌نظیری داشت. ب) تعلیم به شاگردان از قرآن کریم - فروغی ایمان و اعتقاد بی‌نظیری به تعالیم قرآن داشت شاید بالغ بر سی سال تمام سروکارش با این کتاب بزرگ آسمانی بود.

خوب به خاطر دارم سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ که در دارالمعلمین مرکزی خدمت استاد تلمذ می‌کردم، وی با چه ایمانی به تفسیر قرآن کریم و تطبیق مطالب آن با موازین کنونی می‌کرد. وی با کمال

۵- این عمارت در جنوب خیابان و شرق خیابان میرزا کوچک خان (قوام‌السلطنه سابق) قرار داشت.

۶- دکتر ژوزف منار Dr. Joseph Mesnard اولین رئیس مؤسسه پاستور.

خشوع و خضوع در پائین کرسی استادی و مرحوم شیخ محمد حسین بیچاره گنابادی بر بالای کرسی بر روی صندلی می‌نشست و آندو به تفسیر قرآن مجید می‌پرداختند. مجلس درس مملو از شاگردان دارالمعلمین (تمام کلاسها) و عده زیادی مستمع آزاد بود.

علاقة وی به قرآن کریم چنان بود که دائماً این کتاب بزرگ آسمانی را همراه داشت و آنی از آن منفک نمی‌گردید.

ج) انتشار دو مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت علاقة وافر استاد فقید را در راه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد.

احتیاجی نیست درین باب چیزی نوشته شود چرا که خوانندگان مجله آینده از این قسمت اطلاع دارند. بنده فقط عبارتی که منظر نظر مأسوف علیه درباره تعلیم و تربیت بوده و در پشت جلد مجله فروغ تربیت بسال ۱۳۰۰ (حمل تخاقوی ثیل) مطابق ۱۱ رجب ۱۳۳۹ هجری قمری چاپ شده است ذیلاً می‌نگارم تا نظر استاد معلوم گردد:

«حل مسئله تعلیم و تربیت موقوف بجواب سه سؤال اصلی از سؤالاتی است که موضوع تمام حکمت و تحقیقات علمی بشری است:

۱) آدمی از زندگانی درین عالم چه می‌خواهد یا چه باید بخواهد؟

۲) مقصود از تشکیل جمعیت بشری چیست؟

۳) افرادی که جمعیت را تشکیل می‌دهند باید دارای چه صفات باشند تا منظور حاصل شود؟»

با مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری<sup>۷</sup> فقید سعید در خدمت مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری مجلس شعر و ادب بسیار ممتازی داشتند که با مشارکت استاد و برادرش مرحوم محمد علی فروغی ذکاءالملک و مرحوم مرتضی نجم آبادی و مرحوم عبدالحسین اورنگ (شیخ الملک) و چند تن از شعرا و دانشمندان تشکیل می‌گردید و بیشتر این مجالس در منزل مرحوم مرتضی نجم آبادی (والد متوفای نویسنده) بود. بنده شخصاً خاطرات بسیار شیرین این مجالس را در نظر دارم. بعلاوه روزهای چهارشنبه در خدمت شادروان ادیب پیشاوری اشارات ابن سینا را می‌نوشتند که برای چاپ حاضر کنند. (وفات ادیب پیشاوری ۳ تیر ۱۳۰۹).

در فرهنگستان ایران - استاد فروغی سهمی بسزا در فرهنگستان ایران دارد و در وضع لغات منتهای جد را داشت که لغاتی مبتدل در زبان فارسی رخنه نکند. وی عضو فرهنگستان ایران بود.

پرتال جامع علوم انسانی

#### آثار و مؤلفات

- ۱- دوره مجله اصول تعلیم.
- ۲- دوره مجله فروغ تربیت.
- ۳- مجموعه اشعار جوانی.
- ۴- دوران مشوش (مجموعه مقالات اخلاقی و تاریخی).
- ۵- «سنتر» (بزبان فرانسوی).
- ۶- مجموعه سخن‌رانیها و یادداشت‌های استاد در جامعه ملل و دانشگاه سربین.
- ۷- رساله تجدد و ملیت.

۷- مرحوم سید احمد پیشاوری از اهل پیشاور پاکستان بود که پس از تصرف کامل سرزمین شبه قاره هندوستان توسط انگلیسها جلای وطن کرد و به ایران آمد و چون عائله‌ای نداشت اغلب منزل مرحوم بهاءالملک قرا گوزلو (برادر اعتمادالدوله بیبی قرا گوزلو) و ایضاً منزل پدرم اقامت داشت که بیشتر مجالس ادبی در منزل مرحوم پدرم تشکیل می‌گردید. راوی مرحوم پیشاوری مرحوم عبدالحسین اورنگ شیخ الملک (معمین الاسلام) بود.

## ۸- منظومه شیدوش و ناهید.

بازماندگان - از استاد یک فرزند باقی ماند که نامش عبدالله (مهندس عبدالله فروغی) (یا بقول استاد فقید «بنده خدا») که دیلمه از دانشکده معماری و مهندسی و شغل وی تدریس در دانشکده مزبور و کارش مهندسی ساختمان (مخصوصاً ساختمان بیمارستانها) بود. متأسفانه در سال ۱۳۴۰ در عنفوان جوانی فوت کرد.

ساعت پنج بامداد روز ششم بهمن ۱۳۳۸ شمسی (مبعث سال ۱۳۷۹ هجری) قمری استاد ابوالحسن فروغی رخت از این جهان خاکی بریست و برای جاودانی شتافت. آن مرحوم با پدرم بسیار مانوس بود و اغلب به دیدار یکدیگر می رفتند و مدتها به مباحثه در علوم دینی و قرآنی و ادبی می پرداختند که شرح آن از حوصله این مقاله خارج است. اما شاگردان دارالمعلمین مرکزی - از دیلمه های دوره اول فعلاً دو نفر یکی سرلشکر علیرضا قریب و دیگری عبدالله معقول و از دیلمه های دوره دوم فقط مخلص حیات داریم (تاکی نوبت رفتن نگارنده شود) و از دیگر دوره ها برادرم علی اکبر نجم آبادی (معلم نقاشی) و محمدحسین صدری (معروف به خانباباخان) و شاید حاج میرزا ابوالقاسم اولیائی (؟) برادر مرحوم محمود اولیائی (از شاگردان میرز و برجسته مرحوم کمال الملک) حیات دارند.

\* \* \*

## یادداشت مدیر مجله

تولد او طبق شناسنامه ۲۶ حوت ۱۲۶۰ و وفات ۶ بهمن ۱۳۳۸ شمسی است. چند سال پیش خانم وصال از خویشان نزدیک میرزا ابوالحسن خان از من دعوت کرد که به اوراق بازمانده از آن مرحوم بنگرم. یادداشتها و نوشته هایی بود که بیشتر برای تدریس فراهم شده و به مناسبت سالهای دراز بسیار درهم برهم بود. آنقدر که توانستم آنها را به رشته نظم درآوردم و دوستم آقای علی صدر همت کرد و آنها را به صحافی سپرد تا دوباره پریشان و آمیخته نشود و در خانواده محفوظ بماند یا به یک کتابخانه عمومی سپرده شود. عناوین آنچه مرتب شد چنین بود.

## تألیف و ترجمه

- مکاشفات علمی

- یونان قدیم

- علم منطق جدید و قدیم

- فلسفه و حکمت

- ترجمه خطابه ای از ب. آگوستن هامن در سال ۱۹۱۲ میلادی

- مثنوی زاله نامه (با تاریخ ۱۳۳۲ قمری)

- رباعیات و غزلیات

- تئاتر منظوم داستان خسرو و برجیس یا جوانی و جانفشانی (با تاریخ ۱۳۳۶ قمری)

- مجموعه اشعار

- گزارش مفصلی از مأموریت خراسان در سال ۱۳۲۴ شمسی. او از طرف وزارت فرهنگ به آنجا رفته بود تا درباره امکان تأسیس دانشگاه بررسی کند. این گزارش مبسوط هم از لحاظ نظرات اجتماعی و فرهنگی فروغی جذاب و مفیدست و هم مقداری مطلب درباره اوضاع خراسان دربردارد.



در میان اوراق پراکنده بازمانده بعضی نوشته‌ها از مرحوم محمد قزوینی و دیگران و بعضی یادداشتها مربوط به احکام و مشاغل میرزا ابوالحسن خان دیده شد که فهرست وار به آگاهی علاقه‌مندان می‌رساند:

### نامه‌های میرزا محمد خان قزوینی

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۳ در احوال پرسی  
 ۲۲ فروردین ۱۳۱۰ = ۲۲ آوریل ۱۹۳۱  
 ۵ خرداد ۱۳۱۰  
 ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ (۲۰ مارس ۱۹۲۸) بضمیمه یادداشت میرزا عباس خان اقبال  
 ۲۷ بهمن ۱۳۰۶ - ده هزار فرانک ارسالی رسید.  
 ۵ دی ۱۳۰۷ - کاغذ مفصل، چهار هزار فرانکی که در ۱۵ نوامبر تلگرافاً فرستاده بودید رسید. در حساب آقای ذکاءالملک گذاشتم. آقای ذکاءالملک ۱۷ این ماه دسامبر از لوگانو (سویس) پاریس آمده هنوز هم هستند. از تصمیم شما به اترو مطلع شدم.  
 ۳ خرداد ۱۳۰۷ = ۲۴ مه ۱۹۲۸ - بیست هزار فرانکی که شما از گلنکیان قرض کرده بودید پرداخت نشده. ده هزار فرانکی که از این پول بمن دادید دسترس آقای ذکاءالملک برای خرج بچه‌ها گذاشتم.  
 ۲۱ مهر ۱۳۰۸ - آقای ذکاءالملک دو هفته است از ژنو برگشته در پاریس هستند. عرض دستبوس به ادیب پیشاوری و دادن نامه جوف به آقا مرتضی نجم آبادی.  
 ۸ نوامبر ۱۹۲۸ - غرض از عرض عریضه باین سرعت و بلافاصله پس از حرکت حضرت تعالی - یکی اطلاع دادن این مطلب بود که چرا هزار فرانکی که داده بود بحساب آقای ذکاءالملک ریختم. دیگر اینکه طبق اطلاع آقای ذکاءالملک در ۸ oct ۱۹۲۸ = دوشنبه ۱۶ مهر = ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۴۷ چهار ساعت و پنج دقیقه بظهر مانده تولد آقا زاده. متأهل بودن شما را هیچکس نمی‌دانست نه آقا و نه آقا زادگانسان.

### نامه‌های دیگران

۱۹ دی ۱۳۰۶ از میرزا عباس خان اقبال از پاریس.  
 ۱۲ آذر ۱۳۱۲ (۱۳۱۳؟) از آقای مهذب الدوله کاظمی.  
 مسوده ۲۸ آذر ۱۳۱۲ به مقام وزارت خارجه.  
 کاغذ ۲۹ دی ۱۳۱۲ تقی زاده از پاریس. حساب مسعود خان ۲۰۶۵/۷۵ فرانک.  
 کاغذ ۴ آذر ۱۳۱۲ اسمعیل مرآت از پاریس (مسعودخانکلاس اول لیسه کارنو) (قبلاً لیسه ژانون) ۲۳۴۶ فرانک. برای مسعودخان معلم انگلیسی گرفته‌اند ۱۶۰ فرانک در ماه (۲۰ فرانک هر جلسه).  
 ۲۲ فروردین ۱۳۱۳ کاغذ تقی زاده: مخارج مسعود خان در مورد ۵۶۵ فرانک.  
 ۷ دی ۱۳۱۲ کاغذ اسمعیل مرآت در مورد پرداخت برای مسعودخان ۲۵۰۰ فرانک.  
 ۹ اوت ۱۹۳۴ فرناند از Juvisy  
 ۲۱ نوامبر ۱۹۳۴ کاغذ لوئی ماسینون آقای وزیرمختار (ما مطلع شدیم که شما در پاریس در جشن هزاره فردوسی خواهید بود).



- ۷ دسامبر ۱۹۳۴ کاغذ آقای جمالزاده از ژنو.  
اول ژانویه ۱۹۳۵ کاغذ پروفیسور لوئی ماسینیون.  
۴ فوریه ۱۹۳۵ کاغذ آقای جمالزاده از جامعه ملل در ژنو.  
۸ فوریه ۱۹۳۵ کاغذ لوئی ماسینیون (به ایشان بآدرس ۸۴ خیابان ویکتور هوگو).  
تاریخهایی از زندگی فروغی
- ۲۶ سنبله ۱۳۳۶ قمری ریاست دارالمعلمین.  
۲۷ جدی ۱۲۹۸ مدیر مجله اصول تعلیم  
۱۷ قوس ۱۲۹۹ امتیاز و اجازه نشر مجله فروغ  
۱۹ شهریور ۱۳۰۷ حکم ریاست مدرسه دارالمعلمین عالی  
۱ مهر ۱۳۰۸ انتظار خدمت  
اردی بهشت ۱۳۱۱ سفر به شیراز به همراهی تاگور  
۲۰ شهریور ۱۳۱۳ تویخ وزارت خارجه در مورد عدم استقبال شایسته  
۱۱ مهر ۱۳۱۳ نماینده دولت ایران در جشن
- فردوسی (پاریس)  
۱۲ مهر ۱۳۱۳ معرفی به عنوان نماینده ایران به مناسبت جشن صدمین سال برتولو  
۲۹ تیر ۱۳۱۲ وزیرمختاری در برن و نماینده جامعه ملل  
۱۱ مهر ۱۳۱۳ نماینده دولت ایران در جشن فردوسی در پاریس  
۲۸ مهر ۱۳۱۳ شرکت در جشن خانه شیمی در پاریس  
۲۴ خرداد ۱۳۲۴ حرکت به مشهد برای مطالعه در تأسیس دانشگاه

### خبری از چین

لین یین شنگ استاد تاریخ دانشگاه نان چینگ (چین) در نامه اش نوشته است: اکنون به دو تألیف مشغولم که مرتبط با سرزمین شماس است. یکی تاریخ تاجیکستان در روزگاران باستان است و دیگری منابع و مآخذ چینی است درباره ارتباطهای میان چین و سرزمینهای قلمرو زبان فارسی در دوره سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴ میلادی). برای سرانجام دادن این تحقیق مدت هشت ماه به مدرسه زبانهای شرقی دانشگاه لندن خواهم رفت.

### تار عبادی

استاد عبادی آن بهین یار سه تار در هفده اسفند، ره اوج گرفت  
گو بود تمام عمر، سالار سه تار اورت و، شکست قدر و مقدار سه تار  
۱۷ اسفند ۱۳۲۱  
یدالله عاطفی کرمانشاهی